بین الملل

رعایت حقوق مردم یمن شرط امنیت در دریای سرخ

وزارت امور خارجه کشورمان در بیانیه ای با اشاره به تحولات یمن تاکید کرد: بدون تردید امنیت و ثبات در غرب آسیا و منطقهٔ دریای سرخ، بدون رعایت حقوق حقه و کرامت مردم بزرگ یمن حاصل نخواهد شد.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، وزارت امور خارجه کشورمان در بیانیه ای با اشاره به تحولات یمن تاکید کرد: جمهوری اسلامی ایران بر موضع اصولی و ثابت خود مبنی بر لزوم احترام به استقلال، حاکمیت ملی و یکپارچگی سرزمینی یمن و خاتمهٔ محاصرهٔ غیرقانونی و غیرانسانی این کشور تاکید می کند. این بیانیه می افزاید: بدون تردید امنیت و ثبات در غرب آسیا و منطقهٔ دریای سرخ، بدون رعایت حقوق حقه و کرامت مردم بزرگ یمن حاصل نخواهد شد. وزارت امور خارجه ایران در ادامه اعلام می کند: «آنچه در حال حاضر در یمن در حال وقوع است را نمی‌توان از تحولات بیش از یک دهه اخیر جدا دانست. ملت بزرگ و شریف یمن به‌عنوان میراث‌داران تمدنی درخشان و تاریخی که همواره نقشی تعیین‌کننده و پرافتخار در تاریخ منطقه و جهان داشته‌اند حق دارند به دور از فشار و ارعاب و محاصره ظالمانه، زندگی عزتمندانه‌ای داشته باشند و حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی آنها کاملاً محترم شمرده شود.» همچنین در این بیانیه آمده است: جمهوری اسلامی ایران ضمن تأکید بر ضرورت توجه به مصالح امت اسلامی، به‌ویژه در وضعیتی که منطقهٔ غرب آسیا با شرارت ظلم و توسعه‌طلبی بی‌سابقهٔ رژیم صهیونیستی با همدستی آمریکا مواجه است، یادآور می‌شود که حل مسائل مرتبط با یمن از طریق ادامهٔ محاصره و بازکشی نظامی ممکن نیست. در پایان جمهوری اسلامی ایران بر لزوم از سرگیری فوری گفت‌وگو بر مبنای نقشه راه توافق‌شده و اجرای مفاد آن تأکید می کند و آماده هرگونه مساعی جمیله در این مسیر است.

ابتکارهای هسته‌ای تازه‌ای مسکو برای شرکای بریکس

الکسی لیخاچف، مدیرعامل روس‌اتم از ابتکارهای جدید با شرکای بریکس برای ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای بزرگ و کوچک خبر داده و گفت که برخی از توافق‌های همکاری هسته‌ای روسیه و هند نهایی و آماده امضا شده است.

به گزارش زمان به نقل از‌ایسنا، الکسی لیخاچف مدیرعامل شرکت دولتی انرژی هسته‌ای روسیه (روس‌اتم) دیروز -جمعه- گفت که شرکای روسیه در گروه بریکس ابتکارهایی برای ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای بزرگ و کوچک دارند. لیخاچف در گفت‌وگو با روزنامه ایزوستیا گفت: «ما با تقریبا با همه شرکایی که عضو بریکس هستند ابتکارهای مشخص جدیدی برای افزایش شمار واحدهای در حال ساخت با ظرفیت بالا و گنجاندن واحدهای کم‌ظرفیت و راکتورهای تحقیقاتی در دستور کار مان داریم» او افزود که شماری از توافق‌های همکاری در حوزه انرژی هسته‌ای میان روسیه و هند نهایی شده و آماده امضا است. لیخاچف به روزنامه ایزوستیا گفت: «ما شماری سند با هند داریم که کاملا نهایی شده و آماده امضا است» به گفته مدیرعامل روس اتم، این اسناد شامل راکتورهای نوترونی سریع نسل چهارم است. اظهارات لیخاچف همزمان با برگزاری نشست کشورهای عضو بریکس در دهلی‌نو مطرح شده است که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نیز در آن شرکت کرده است. پوتین دیروز در حاشیه این نشست با نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند دیدار و رایزنی کرد.

فرمانده‌تروریست‌های سنتکام عازم عربستان شد

فرمانده تروریست های آمریکایی در منطقه (سنتکام) در خصوص تحولات یمن به عربستان سفر کرد.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، وبگاه آکسیوس به نقل از منابع آگاه گزارش داد که دریاسالار کوپر فرمانده تروریست های آمریکایی در منطقه (سنتکام) برای هماهنگی در خصوص تحولات یمن، راهی عربستان سعودی شده است. این در حالیست که آکسیوس خبر داد: محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان روز پنجشنبه ۲ بار با دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا رایزنی تلفن کرد. ولیعهد عربستان در این تماس ها از رئیس جمهور آمریکا درخواست کرد تا نیروهای مبارز یمنی را مورد حمله قرار دهد اما ترامپ مخالفت کرد. این در حالیست که شبکه آمریکایی «سی‌ان‌ان» هم اخیرا به نقل از منبعی که آن را «آگاه از موضوعات عربستان» توصیف کرد، پیشتر فاش کرد که عربستان برنامه‌های جنگی خود برای حمله به یمن را تدوین کرده و متحدانش را از برنامه‌های خود مطلع ساخته است. دیپلمات‌های سعودی در ماه اوت به سناتورهای آمریکایی اطلاع دادند که کانال‌های ارتباط سیاسی با انصار الله از بین رفته است. آنها خواستار حمایت واشنگتن از این حملات شده‌اند. عربستان همچنین در حال تلاش است تا کشورهای دیگر را که در اتحاد با آمریکا علیه جنگ افروزی در ایران تردید داشتند به جنگ در یمن بکشاند. از سوی دیگر، خبرگزاری فرانسه دیروز به نقل از یک مقام محلی اعلام کرد: حوثی‌ها (ارتش و مبارزان یمنی) کنترل جزیره «میون» را به دست گرفته و تصرف تنگه باب‌المندب را تکمیل کرده‌اند.

بقائی با اشاره به پیامدهای استفاده ابزاری از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح کرد:

هشدار نسبت به بسترسازی فشار و توجیه تجاوز نظامی علیه ایران

سخنگوی وزارت امور خارجه در خصوص پیامدهای استفاده ابزاری از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بسترسازی فشار سیاسی و توجیه تجاوز نظامی علیه ایران هشدار داد.

به گزارش سرویس سیاسی زمان، اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در پیامی در شبکه ایکس درباره عملکرد مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال موضوع هسته‌ای ایران هشدار داد. او نوشت: مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گزارش‌دهی فنی مرجعی که اعتبارش بر تخصص فنی، بی‌طرفی و استقلال عمل آن استوار است، را به توجیه سیاسی برای جنگ‌افروزی تبدیل کرده است. بقائی افزود، زمانی که گزارش‌های آژانس به جای رفع ابهام‌ها به تهیه‌کننده خوراک برای تولید روایت تهدید و ساختن پرونده سیاسی و حقوقی علیه یک کشور بدل می‌شوند، مرز میان «نظارت فنی» و زمینه‌سازی برای تجاوز نظامی، به شکلی خطرناک از بین می‌رود. به گفته سخنگوی وزارت خارجه کشورمان، این مسئله صرفاً به خدشه‌دار شدن اعتبار آژانس یا مدیرکل آن محدود نمی‌شود؛ بلکه آنچه بر باد می‌رود، ارزشمندترین دارایی آژانس، یعنی اعتبار آن به عنوان مرجع بی‌طرف و مستقل، است. هنگامی که اعتبار فنی و نهادی آژانس قربانی دستورکارهای سیاسی می‌شود، آژانس تبدیل به ابزاری برای منطقی جلوه‌دادن و تسهیل تجاوز می‌شود. بقائی نوشت: این یک شکست نهادی عمیق است. بدتر آنکه، این وضعیت آژانس را تبدیل به یک همدست جهت بسترسازی سیاسی برای یک جنگ غیرقانونی و انتخابی می‌کند؛ جنگی که در راستای مطامع و جاه‌طلبی‌های رژیمی نسل‌کش صورت می‌گیرد که همچنان مانع اصلی بر سر راه ایجاد خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی است. سخنگوی وزارت خارجه افزود: نهادی که وظیفه کمک به صیانت از صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، هرگز نباید بخشی از زنجیره تولید بهانه برای جنگ باشد. در ارزیابی مسئولیت تجاوز نظامی و جنایات جنگی، مطالبه پاسخگویی را نمی‌توان تنها به کسانی محدود کرد که دستور حمله می‌دهند یا شخصاً چنین حملات غیرقانونی‌ای را اجرا می‌کنند. مسئولیت باید شامل حال کسانی نیز بشود که آگاهانه به شکل‌گیری بهانه‌های سیاسی و حقوقی برای توجیه تجاوز کمک کرده‌اند. به گفته بقائی، کسانی که ارزیابی‌های نادرست را به مثابه مبنایی موثق برای اقدامات قهری عرضه می‌کنند و از این طریق زمینه و بستر تجاوز را فراهم می‌نمایند یا آن را مشروع جلوه می‌دهند، نمی‌توانند از زیر بار مسئولیت پیامدهای آن شانه خالی کنند.

"زمان" از بررسی مؤلفه‌های قدرت ملی گزارش می دهد:

قدرت نظامی، دیپلماسی مقتدر و مردم سه ضلع ایران قوی

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی در برابر تجاوزگری آمریکا و رژیم صهیونیستی، ایران قوی را تنها راه مقابله با فشارهای خارجی دانسته و تأکید می کند: بازدارندگی نظامی، پشتوانه مردمی، دیپلماسی مقتدرانه و کارآمدی اقتصادی، چهار مؤلفه اصلی قدرت ملی در کشور هستند.

به گزارش محبوبه بیدکی خبرنگار زمان، حملات نظامی آمریکا و تداوم اقدامات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی، بار دیگر بحث کارآمدی نهادهای بین‌المللی در جلوگیری از جنگ و حمایت از حقوق ملت‌ها را به یکی از موضوعات اصلی فضای سیاسی کشور تبدیل کرده است. در همین چارچوب، دوستعلی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از عملکرد شورای امنیت، سازمان ملل و قوانین بین‌المللی، تأکید دارد که: تجربه سال‌های گذشته نشان داده که قدرت‌های متجاوز تنها در برابر قدرت بازدارنده عقب‌نشینی می‌کنند. از نگاه این نماینده مجلس، مقابله با تهدیدهای خارجی صرفا به توان نظامی محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از مؤلفه‌های نظامی، مردمی، اقتصادی، مدیریتی و دیپلماتیک باید در قالب راهبرد ایران قوی تقویت شود. وی با تأکید بر ضرورت حفظ اقتدار دفاعی کشور، حل مشکلات معیشتی و مهار نوسانات اقتصادی را نیز بخش جدایی‌ناپذیر قدرت ملی می‌داند. عضو کمیسیون امنیت ملی با اشاره به حملات آمریکا در جنوب کشور، این اقدامات را نشانه‌ای از کاهش اثرگذاری ساختارهای بین‌المللی می‌داند.

به اعتقاد وی، سازمان‌ها و نهادهایی که با هدف جلوگیری از تجاوز، زورگویی و نقض حقوق ملت‌ها شکل گرفته‌اند در برابر قدرت‌های متجاوز نتوانسته‌اند نقش مؤثری ایفا کنند. این نماینده مجلس با طرح سوالی مبنی بر اینکه وقتی آمریکا خود به‌عنوان یکی از مصادیق تروریسم دولتی و تجاوزگری شناخته می‌شود، شورای امنیت و سازمان ملل چه کارکردی خواهند داشت؟ وضعیت کنونی جهان را نتیجه غلبه منطق زور بر قواعد حقوقی دانسته و می گوید: تحت این شرایط کشورهای قدرتمند تلاش می کنند دیگر ملت‌ها را تحت سلطه خود درآورند.در چنین فضایی، اتکا به سازوکارهای بین‌المللی بدون برخورداری از قدرت ملی کافی نیست. وی در ادامه تأکید می‌کند که: جمهوری اسلامی باید در برابر کشورهای قدرت‌طلب و متجاوز ایستادگی کند چرا که آمریکا جز زبان قدرت را درک نمی‌کند.

بازدارندگی: حاصل پیوند قدرت نظامی و مردمی

محور اصلی دیدگاه‌های این نماینده مجلس، ضرورت تقویت همه‌جانبه کشور است و با استناد به بیانات امام شهید و رهبر انقلاب، اقتدار ایران را شرط اصلی مقابله با تهدیدهای خارجی می‌داند. وی معتقد است: تجربه تاریخی نشان داده حملات آمریکا در بسیاری از موارد همزمان با روند مذاکرات یا در میانه آن رخ داده است و بر همین اساس باید راهبرد ایران قوی از سه مؤلفه اصلی بازدارندگی نظامی و توان دفاعی،پشتوانه مردمی و حضور اجتماعی،دیپلماسی مقتدرانه و عزتمندانه باشد. دوستعلی بر این باور است که: قدرت نظامی ایران در سال‌های گذشته توانسته بسیاری از برنامه‌های تهاجمی دشمن را پیش از اجرا خنثی کند و اگر این سطح از توان دفاعی وجود نداشت، حملات مستقیم دشمنان می‌توانست خسارت‌های جبران‌ناپذیری به کشور وارد کند. عضو کمیسیون امنیت ملی قدرت نظامی را تنها یک ضلع بازدارندگی دانسته و خاطرنشان می‌کند:حضور مردم در صحنه‌های دفاع از کشور و آرمان‌های انقلاب، بخش مهمی از قدرت نرم جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد و همین پشتوانه اجتماعی منجر به هزینه های سنگین دشمن برای محاسبات و اقدامات خود شده است. وی ادامه می دهد:در چارچوب این نگاه، دیپلماسی نیز نباید جدا از ظرفیت‌های ملی و دفاعی کشور تعریف شود و دیپلماسی مبتنی بر ضعف، زمینه ساز زیاده‌خواهی دشمن است. مذاکره و تعامل خارجی زمانی می‌تواند منافع ایران را تأمین کند که بر پایه قدرت ملی، انسجام داخلی و توان بازدارندگی شکل گرفته باشد. از منظر این نماینده مجلس، تجربه مواجهه با آمریکا و رژیم صهیونیستی نشان داده است که این جریان‌ها به قواعد انسانی و حقوق بین‌الملل پایبندی عملی ندارند.

اقتصاد: بخش مغفول قدرت ملی

با وجود تأکید گسترده بر توان دفاعی، دوستعلی یادآور می شود که: ایران قوی تنها با قدرت نظامی تحقق نمی‌یابد، بلکه کارآمدی اقتصادی و توانایی دولت در حل مشکلات معیشتی مردم نیز بخشی از قدرت ملی و حتی یکی از پایه‌های امنیت کشور است. از طرفی این نماینده مجلس خواستار آن است که مسئولان به همان اندازه برای حفظ اقتدار دفاعی کشور برنامه‌ریزی می‌کنند، برای کاهش فشار اقتصادی و حل مشکلات معیشتی نیز اقدامات عملیاتی انجام دهند،چرا که نوسانات غیرمنطقی نرخ ارز و وضعیت نامطلوب بازار دلار، فشار قابل توجهی بر زندگی مردم وارد کرده و برای مدیریت آن، هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف ضروری است. دوستعلی در پایان تأکید می کند: مقابله با فشارهای خارجی نیازمند تقسیم مسئولیت میان قوه مجریه، مجلس و سایر دستگاه‌های حاکمیتی است.دولت باید برای کنترل بازار، کاهش فشار بر خانوارها و تقویت تولید برنامه‌ای عملیاتی داشته باشد و مجلس نیز با نظارت مؤثر، مانع از تعلل یا پراکندگی در تصمیم‌گیری‌ها شود،چرا که اقتدار واقعی زمانی شکل می‌گیرد که مردم آثار آن را در زندگی روزمره خود احساس کنند!

در نهایت می توان گفت که محور اصلی سخنان این نماینده مجلس، ضرورت عبور از برداشت محدود در مفهوم قدرت است. در این نگاه، ایران قوی فقط کشوری با توان نظامی بالا نیست، بلکه باید از بازدارندگی دفاعی، پشتوانه مردمی، اقتصاد کارآمد، مدیریت مؤثر و دیپلماسی مقتدر برخوردار باشد. تجربه حملات خارجی و ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی از منظر این نماینده مجلس نشان می‌دهد که اتکا به قواعد جهانی، بدون برخورداری از قدرت ملی، نمی‌تواند امنیت و منافع کشور را تضمین کند. با این حال، حفظ بازدارندگی تنها در میدان نظامی ممکن نیست و فشارهای اقتصادی نیز باید به‌عنوان یکی از عرصه‌های اصلی رویارویی با دشمن جدی گرفته شود.در این اساس، راهبرد ایران قوی زمانی به نتیجه می‌رسد که میان توان دفاعی، سرمایه اجتماعی و کارآمدی اقتصادی پیوند برقرار شود؛ پیوندی که نه تنها امکان مقابله با تهدیدهای خارجی را افزایش می‌دهد،بلکه منجر به کاهش مشکلات داخلی و تقویت اعتماد عمومی منجر خواهد شد.

Mojgan.bidaki۸۸@gmail.com

برنامه دشمن برجسته سازی اختلافات و کاهش تاب آوری ملی است

خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت حجت الاسلام ابوترابی فرد در دانشگاه تهران، برگزار شد.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، حجت الاسلام سید محمد حسن ابوترابی فرد ، خطیب نماز جمعه پایتخت، در دانشگاه تهران و با حضور نمازگزاران،ضمن توصیه همه ملت ایران و امت اسلامی به رعایت تقوا آراستگی و عمل صالح، اظهار کرد: در روزهای پایانی ماه پیامبر اعظم قرار داریم، پیامبر پیام آور توحید، پیام آور عقلانیت و علم پیام آور اخلاق و فضیلت پیام آور تحکیم رابطه انسان با مبدا هستی و رابطه انسان‌ها با یکدیگر . وی افزود: همانطور که برخی از پژوهشگران هوشمند در حوزه معارف قرآن اشاره دارند، می‌توان گفت رکن اساسی و محوری در دعوت قرآن کریم آموزه‌های این کتاب مقدس استثنایی وحیانی ، اصلاح و تحکیم رابطه انسان با خدا و اصلاح و رابطه تحکیم رابطه انسان‌ها با یکدیگر است. حجت الاسلام ابوترابی فرد تاکید کرد: قرآن کریم می‌فرماید که فلسفه رسالت همه انبیا الهی قیام انسان‌ها به قسط و عدالت است.

حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تحولات مهم منطقه غرب آسیا اظهار کرد: تحولات اخیر در منطقه و اقدامات موفق و ویرانگر ایران، یمن و حزب‌الله در مقابله با تجاوزات آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان آنها عمق شکست راهبردی واشنگتن و تل‌آویو را به روشنی نشان می‌دهد. خطیب نماز جمعه تهران گفت: جنگ‌طلبی و تهاجم نظامی آمریکا به عامل تعیین‌کننده‌ای برای تغییر موازنه قدرت به نفع ایران، محور مقاومت و ملت‌های منطقه تبدیل شده است. اگر جنگ‌افروزی آمریکا نبود، ما قطعاً امروز در این نقطه از قدرت قرار نداشتیم. آبراه راهبردی هرمز در دستان قدرتمند نیروهای مسلح و سپاه مقتدر نبود و پایگاه‌های آمریکا در منطقه به بیغوله تبدیل نشده بود. وی افزود: در منطقه استراتژیک جنوب غربی آسیا، قدرت بر شبکه‌ای از ظرفیت‌های متکثر و بازیگران هماهنگ و متحد استوار است و ایران در این منظومه در جایگاه ستون مرکزی نظم و قدرت قرار گرفته است. امام جمعه موقت تهران عنوان کرد: امروز نقطه ثقل راهبرد دشمن، پس از تجربه شکست سخت در میدان نظامی و سیاسی، برهم زدن ثبات و کاهش تاب‌آوری ملی است. دقت کنید: برهم زدن ثبات و کاهش تاب آوری ملی بدون وحدت و انسجام ملی امکان‌پذیر است. تحکیم پیوند ملت و دولت و پیوند ملت و حاکمیت، ستون اصلی تاب‌آوری است. وی ادامه داد: به همین دلیل، پرتکرارترین واژه در پیام‌های رهبر معظم انقلاب، حراست از این سرمایه گران‌بهای ملی و دینی است. ایشان در پیام اخیر خود تأکید فرمودند که بدخواهان و دشمنان اسلام برنامه اصلی خود را بر برجسته‌سازی اختلافات برای تضعیف امت اسلامی متمرکز کرده‌اند. حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد بیان کرد: دشمنان اختلافات را برجسته می کنند و اختلافات خود را پنهان می کنند. رهبر معظم انقلاب همچنین اشاره فرمودند که آحاد ملت ایران نباید به هیچ وجه اجازه بروز هیچ اختلافی را در میان خود بدهند. خطیب نماز جمعه تهران گفت: وحدت و اتحاد مستحکم ملت، هماهنگی میدان، خیابان، دیپلماسی و خدمت، رمز اقتدار ایرانیان است. همه با هم و دست در دستان یکدیگر، این اتحاد مقدس را پاس داریم.حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد با اشاره به جنگ های کشور در دوسال اخیر در برابر آمریکا و اسرائیل اظهار کرد: نبرد مقدس ۱۲ روزه و پیروزی رمضان و هرمز نشان داد که اراده منسجم ملی، فتح‌الفتوح ما ایرانیان است و باید از این سرمایه عظیم ملی حراست کنیم. خطیب نماز جمعه تهران گفت: با نگاه به تحولات بنیادین منطقه و کشور دوست و برادر یمن، نکاتی را متذکر می‌شوم و صاحبان قدرت در غرب را به نگاه درست به واقعیت‌ها دعوت می کنم. هیئت حاکمه آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان آنها باید این حقیقت را به یاد بسپارند که قدرت امپریالیستی آمریکا و غرب به صورت اصولی رو به ضعف و ناتوانی رفته است و واقعیت سیاسی و نظامی نوینی به وجود آمده است. وی افزود: پایان حضور امپراتوری غرب در منطقه استراتژیک جنوب غربی آسیا فرا رسیده است و باید محاصره غیرقانونی و غیرانسانی یمن خاتمه پیدا کند. امام جمعه موقت تهران عنوان کرد: امنیت و ثبات در جغرافیای غرب آسیا، دریای سرخ، باب‌المندب، خلیج فارس و تنگه هرمز با احترام به حقوق و کرامت ملت شریف و مقاوم یمن و ملت‌های بزرگ و مقتدر منطقه که میراث‌داران تمدنی درخشان هستند حاصل خواهد شد. وی ادامه داد: کشورهای اسلامی، به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس، باید با پاسداری از عزت و اقتدار خویش پرچم‌دار این تحول عظیم باشند و راه را برای آزادی، شرافت، استقلال و عظمت دولت‌ها و ملت‌های منطقه هموار کنند. این راهی است که به آنان و به ملت اسلامی عزت می‌دهد. ملاحظه شد که پایگاه‌های آمریکایی عزت‌آور نیست توجه شد که رابطه با آمریکا بر عزت و اقتدار ایران نمی‌افزاید؛ بلکه رابطه با ملت‌های مسلمان، تحکیم پیوند دولت‌ها و ملت‌های اسلامی با یکدیگر و فشردن دست‌ها در دستان مقتدر ایرانیان، بر عزت و اقتدار شما می‌افزاید.

نگاه روز

۲۵ سال پس از ۱۱ سپتامبر؛ آمریکا همچنان خمار جنگ

بیست‌وپنج سال پس از ۱۱ سپتامبر، به نظر می‌رسد آمریکا هنوز نتوانسته اعتیاد به جنگ‌های بی‌پایان را کنار بگذارد.

بیست‌وپنج سال پس از حوادث ۱۱ سپتامبر آمریکا در شرایطی سالگرد یکی از تعیین‌کننده‌ترین حوادث تاریخ معاصر خود را برگزار می کند که میراث اصلی آن حادثه همچنان در سیاست خارجی این کشور زنده‌است: جنگ‌های طولانی، مداخلات نظامی در نقاط مختلف جهان و ورود به درگیری‌هایی که پایان دادن به آنها بسیار دشوارتر از آغازشان بوده است.

حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قرار بود نقطه آغاز یک نبرد علیه شبکه القاعده و گروه‌های تروریستی باشد اما «جنگ علیه تروریسم» خیلی زود به چارچوبی گسترده‌تر برای حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه، آسیای مرکزی و آفریقا تبدیل شد. افغانستان و عراق تنها دو جنگ بزرگ این دوره نبودند؛ پاکستان، یمن، سومالی، لیبی و سوریه نیز در سال‌های بعد به صحنه عملیات نظامی، حملات هوایی، پهپادی یا مداخلات آمریکا تبدیل شدند. بر اساس داده‌های پژوهشی اندیشکده‌ها و گزارش‌های کنگره آمریکا ایالات متحده از سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون در بیش از ۸۰ کشور تحت عنوان «جنگ جهانی با ترور» (GWOT) دست به عملیات نظامی، پهپادی، حملات هوایی یا مداخله مستقیم زده است. اکنون دونالد ترامپ که در کارزارهای انتخاباتی خود با مانور بر ناکامی‌های پرهزینه رؤسای جمهور پیشین، وعده داده بود آمریکا را از ماجراجویی‌های نظامی دور نگه دارد و نقش «رئیس‌جمهور صلح» را ایفا کند درگیر جنگ با ایران شده است؛ جنگی که نشان می‌دهد دستگاه تصمیم‌گیری در کاخ سفید پس از ربع قرن هنوز نتوانسته است الگوی کهنه و خودویرانگر مداخله‌جویی را کنار بگذارد. با این حال این چرخه مداخله‌جویی که از زمستان ۲۰۰۱ در کوهستان‌های هندوکش آغاز شد و دو سال بعد به صحراهای عراق گسترش یافت، اکنون در سال ۲۰۲۶ با چالش جدی‌تری روبه‌رو شده‌است. بررسی تحلیلی رفتار هیئت حاکمه آمریکا در ۲۵ سال گذشته افشا می‌کند که واشنگتن در تمامی این درگیری‌ها با یک عارضه ساختاری مشترک دست‌به‌گریبان بوده است: اتکا بر توان بالای ضربه نظامی اولیه و بی‌توجهی مطلق به ابعاد موازی، پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک و سناریوهای پس از شروع درگیری. در تجاوز سال ۲۰۰۳ به عراق، طراحان جنگ در پنتاگون بر این باور بودند که با سقوط سریع رژیم بعث، جامعه عراق پذیرای الگوی مورد نظر آمریکا خواهد شد. با این حال، ناآگاهی از لایه‌های اجتماعی و ساختار طایفه‌ای آن کشور موجب شد تا آمریکا در یک بحران فرسایشی و خونین ۱۸ ساله گرفتار شود؛ بحرانی که نه تنها هزاران کشته و تریلیون‌ها دلار هزینه روی دست مالیات‌دهندگان آمریکایی گذاشت، بلکه به بی‌ثباتی عمیق منطقه‌ای و ظهور گروه‌های افراطی منجر شد. به همین ترتیب، افغانستان نیز به نماد بارز ناتوانی واشنگتن در تعریف یک استراتژی پایدار بدل گشت؛ جایی که پس از دو دهه جنگ و صرف هزینه‌های بی‌حساب، طالبان بار دیگر به قدرت بازگشت تا خروج شتاب‌زده و آشفته نیروهای آمریکایی در تابستان ۲۰۲۱، مهر تأییدی بر ناکامی پروژه ملت‌سازی واشنگتن باشد. امروز در درگیری با ایران، دستگاه سیاست خارجی آمریکا بار دیگر دقیقا در همان دام محاسباتی افتاده است که پیشتر در بغداد و کابل افتاده بود. برعکس ادعای مقامات کاخ سفید که تمرکز بر نیرو هوایی و دریایی را تمایز اصلی این درگیری با جنگ‌های قبلی می‌دانند ابعاد تحولات نشان می‌دهد که عدم حضور گسترده نیروی زمینی نتوانسته مانع از شکل‌گیری یک جنگ فرسایشی شود. کاخ سفید با نادیده گرفتن قدرت پایداری ملی و زیرساخت‌های پاسخ‌دهی ایران، بر این فرض نادرست استوار بود که فشار حداکثری نظامی و محاصره اقتصادی ظرف چند هفته اختلال اساسی ایجاد خواهد کرد. اما تداوم ضربات متقابل و ناامن شدن خطوط انتقال انرژی در خلیج فارس و تنگه هرمز اثبات کرد که توان ایستادگی در برابر نبردهای نامتقارن، بسیار پیچیده‌تر از محاسبات روی کاغذ است. ابعاد اقتصادی این مداخله نیز شکاف میان شعارهای واشنگتن و واقعیات ملموس زندگی مردم آمریکا را آشکارتر کرده است. اختلال در صادرات نفت منطقه که بخش عمده‌ای از انرژی جهان را تأمین می کند جهش ناگهانی قیمت سوخت را در پمپ‌بنزین‌های آمریکا به همراه داشته است. برخلاف تصور ترامپ که خودکفایی نسبی در تولید نفت داخلی را سپر بلا می‌دانست، بازار جهانی انرژی به صورت یکپارچه عمل می کند و هرگونه شوک در خاورمیانه بلافاصله پایه نرخ تورم را در بازار داخلی آمریکا بالا می‌برد. تحلیلگران اقتصادی تصریح می‌کنند که فشارهای ناشی از بالا رفتن هزینه زندگی، افکار عمومی آمریکا را به‌شدت علیه سیاست‌های جنگ‌طلبانه شورانده است؛ تا جایی که حامیان سرسخت جریان‌های اولویت‌دهنده به مسائل داخلی، نسبت به پیامدهای اقتصادی این ماجراجویی ابراز نگرانی کرده‌اند. از سوی دیگر، این درگیری انزوای بی‌سابقه دیپلماتیک آمریکا را به نمایش گذاشته است. جرج بوش در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ موفق شد حداقل ائتلاف‌هایی متشکل از متحدان اروپایی و منطقه‌ای تشکیل دهد اگرچه آن ائتلاف‌ها نیز با گذشت زمان فروپاشیدند اما در تصمیم اخیر برای ورود به فاز نظامی علیه ایران، کاخ سفید حتی بدون رایزنی‌های اولیه با متحدان سنتی خود در ناتو و با بی‌توجهی به هشدارهای کشورهای حاشیه خلیج‌فارس اقدام کرد. ممانعت پایتخت‌های اروپایی و آسیایی از همراهی در این درگیری، نشان‌دهنده فرسایش شدید جایگاه بین‌المللی واشنگتن و بی‌اعتمادی عمیق جهانی به ماجراجویی‌های یک‌جانبه ایالات متحده است. آمریکا ۲۵ سال پس از ۱۱ سپتامبر، هنوز نتوانسته است از این چرخه باطل خارج شود. ناتوانی در تدوین یک «استراتژی خروج» واضح، نداشتن نقشه راه سیاسی پس از ضربات نظامی و دل بستن به سراب پیروزی سریع، همان درس‌های معوقه‌ای هستند که از کابل تا بغداد و اکنون در آب‌های خلیج فارس تکرار می‌شوند. تا زمانی که تفکر حاکم بر واشنگتن، ابزار نظامی را نخستین و تنها پاسخ به چالش‌های پیچیده بین‌المللی بداند، پرونده «جنگ‌های ابدی» آمریکا هرگز بسته نخواهد شد.

zamanagahi@chmail.ir

خبر

اتهامات مجدد علیه برنامه هسته‌ای ایران ماهیت فنی ندارد

«غلامحسین درزی» با بیان اینکه اتهامات مجدد علیه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، ماهیتی سیاسی دارند و نه فنی گفت: قطعنامه ۲۲۳۱ منقضی شده و رسیدگی به موضوع هسته ای ایران به پایان رسیده است.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، «غلامحسین درزی» سفیر و کاردار ایران در سازمان ملل در نامه روز پنجشنبه خود به وقت نیویورک (۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴ برابر با ۱۹ شهریور ۱۴۰۵) به سفیر و نماینده دائم فرانسه در سازمان ملل که رئیس شورای امنیت در ماه جاری میلادی (سپتامبر) است، درباره نشست این شورا در خصوص ایران گفت: نشست مربوط به آنچه «فعالیت کمیته ۱۷۳۷» خوانده می‌شود، سوءاستفاده آشکار از رویه و صلاحیت شورای امنیت است. دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل تصریح کرد موضع ایران روشن، مستمر و به‌طور رسمی از جمله در مکاتبات رسمی ایران با دبیر کل و رئیس شورای امنیت ثبت شده است. قطعنامه ۲۲۳۱ در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شد. از آن تاریخ، تمامی مفاد اقدامات و محدودیت‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای به‌طور دائمی خاتمه یافت؛ شورای امنیت رسیدگی خود به موضوع هسته‌ای ایران را به پایان رساند و موضوع دستور کار «عدم اشاعه» نیز از دستور کار شورا حذف شد. درزی تاکید کرد: «علاوه بر این، سازوکار موسوم به «بازگشت خودکار تحریم‌ها» (Snapback) هرگز از سوی سه کشور اروپایی (E۳) فعال نشد؛ زیرا آنها از جایگاه حقوقی لازم برای توسل به این سازوکار برخوردار نبودند؛ چراکه به تعهدات خود بر اساس برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت عمل نکرده بودند.»